



مجله حقوقی



شماره چاپی: ۱۸۴۱-۲۷۸۳
شماره الکترونیکی: ۱۹۲۳-۲۷۸۳

دوره ۸ - شماره ۲۶ - زمستان ۱۴۰۴

- تحلیل مسئولیت بانک گشاینده در حقوق اعتبارات اسنادی
همایون مافی، محسن ربیسی
نقش هوش مصنوعی در بهبود فرآیندهای تحقیق کیفری و تحلیل شواهد دیجیتال در نظام حقوقی ایران
امیررضا محمودی، زهرا رهنا
شیوه طرح دعاوی گروهی و نحوه اجرای احکام آن
رحیم مختاری، علی سلطانی شیرزاده
بازخوانی تعهدات قراردادی در شرایط تورم شدید؛ تحلیلی از ظرفیت‌های تعدیل در حقوق ایران
شیما شکوری بلقور، قاسم نبی زاده کبریا
آسیب شناسی سیاست کیفری ایران در قبال جرائم بگی، محاربه و افساد فی الارض در پرتو مفهوم امنیت ملی و ثبات سیاسی کشور
روح الله شیخی، محمد محمودی
چهارچوب مسئولیت مدنی ناشی از فعالیت‌های تفریحی پرخطر؛ مطالعه اتاق‌های فرار
رحیم مختاری، غلامحسین کشاورز
دعاوی ناشی از مالکیت فکری در نظام حقوقی ایران
سیدمحمدباقر حقایقی، محمدرضا نصیری، امیرحسین ابوالحسنی
مسئولیت سازندگان ساختمان و حقوق مجاورین ناشی از آلودگی صوتی ساخت‌وسازها
رحیم مختاری، نازنین زهرا جوکار
تحلیل جرم‌شناختی جرایم حوزه رمزارزها: مطالعه کلاهبرداری‌های رایج در ایران
حسین محمودی تکانلو، رویا آسیایی
راهبردهای پیشگیرانه از جرم رانت خوری در سیاست کیفری ایران با تأکید بر چالش‌ها و خلأهای جرم‌شناختی
فاضل موحدی، حمیدرضا کناری زاده، داود سلمانپور
واکاوی اصل تناسب میان جرم و مجازات در ساختار دیوان کیفری بین‌المللی
حسن پیرفلک لسکوگلابیه، طیبه قدرتی سیاهمزی
توافق طرفین قرارداد در تعیین ادله اثبات دعوا
حبیب اله عبدالله پور، مهدی شجاعی
عملکرد دادگاه‌های کیفری در پیشگیری از جرم: با نگاهی به جرم‌شناسی انتقادی و تمرکز بر نظام قضایی ایران
ایرج مروتی، نغمه فرهود
توافق طرفین در ارجاع دعوی به داوری در مرحله تجدیدنظر
رحیم مختاری، زهرا عمادی
مسئولیت دولت‌ها در قبال تروریسم بین‌المللی و دیپلماسی ضدتروریسم
مسعود سرفرازی صالح، مهدی قره داغی
پایان حکمرانی متمرکز: تحلیل ظهور حکمرانی غیرمتمرکز در عصر بلاکچین و قراردادهای هوشمند
هادی زارع، مجید وزیری
تحلیل تطبیقی حمایت‌های جبرانی تأمین اجتماعی در قبال خسارت بدنی و دامنه شمول زیان‌دیدگان در ایران و انگلستان
زینب تازی
مسئولیت سازنده و حقوق مجاورین ناشی از به کارگیری جرثقیل‌های برجی
رحیم مختاری، احسان یوسفی
انتقال دعاوی در نظام حقوقی ایران با تأکید بر مقررات و ماده‌های منتخب قانون ثبت اسناد و املاک
امیررضا علی تبار
جایگاه هوش مصنوعی در پهنه سیاستگذاری جنایی
محبوبه طالبی رستمی
تعهد به ایمن‌سازی داده‌ها به‌عنوان تعهد به نتیجه یا تعهد به وسیله در حقوق خصوصی
سیدامیرحسین مصطفوی
مسئولیت کیفری شرکت‌های فناوری در قبال جرائم ارتكابی کاربران
وحید کیومرثی
مسئولیت مدنی ناشی از پردازش خودکار داده‌های شخصی توسط هوش مصنوعی در حقوق ایران و افغانستان
(با نگاهی به اسناد بین‌المللی)
راضیه جعفرزاده، وحید حمیدی، محمدرضا رشید
بررسی تأثیر آگاهی حقوقی و شفافیت در پیشگیری و کاهش فساد اداری و مالی
سیده مهشید میری بالاچورشیری
مالکیت داده‌های شخصی در حقوق خصوصی؛ از حق شخصیت تا مال غیرمادی
سینا یوسفی
مسئولیت مدنی پزشک و سازنده ربات در جراحی‌های رباتیک نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان
رحیم مختاری، ابراهیم شیروانی
تحلیلی بر مسئله اخذ خسارت تأخیر تادیه از محکوم به دولتی
محمد مهدی رضوانی فر، زهرا سلیمی
آثار حقوقی و اداری تملک بر وضعیت یتیمی املاک در نظام حقوقی ایران
احسانه وثوقی منفرد، محمد وارسته بازقلعه
دیپلماسی اقتصادی و حقوق قراردادهای بین‌المللی خصوصی؛ تعامل سیاست و حقوق در تأمین منافع ملی
رادمهر رحمانی گل افشان
پذیرش تشخیص تقلب مبتنی بر هوش مصنوعی در بانکداری: نقش اعتماد، شفافیت و ادراک انصاف در موسسات مالی در ایران، امارات متحده عربی و قطر
عبدالمجید یوسفی
رویکرد رویه قضایی در ترمیم دادرسی از طریق اضافه کردن اشخاص به دادرسی
رحیم مختاری، سعید شیروانی
جرم‌شناسی جنگ در واقعیت‌های کنونی و لزوم توسعه آن در اوکراین
یاسر شاکری



Handling Intellectual Property Claims in the Iranian Legal System

دعاوی ناشی از مالکیت فکری در نظام حقوقی ایران

Sayyed Mohammadbagher Haghayeghi
Master of Private Law and University Lecturer

سیدمحمدباقر حقایقی

کارشناس ارشد حقوق خصوصی و مدرس دانشگاه

mhmdbaqrhaghayeghi@gmail.com

Mohammadreza Nasiri
Master's student in private law, Tabnak University, Lamerd, Iran (Corresponding Author)

محمدرضا نصیری

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه تابناک، لامرد، ایران (نویسنده مسئول)

nasirireza2710360@gmail.com

Amirhasan Abolhasani
PhD in Criminal Law and Criminology, Lecturer, Tabnak University, Lamerd, Iran

امیرحسن ابوالحسنی

دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، مدرس دانشگاه تابناک، لامرد، ایران

a.abolhasani18@yahoo.com

Abstract

The purpose of this study is to analyze the position of intellectual property and the competent authorities for handling claims arising from it in the Iranian legal system. In this regard, the legal principles related to intellectual property rights in Iranian laws are analyzed. The present study, which is conducted using a descriptive-analytical method, seeks to answer the question of what are the criteria for determining the competent court for handling claims related to intellectual property rights? The results of the study show that in the Iranian legal system, despite the increasing importance of intellectual property rights, there are still significant legal gaps in determining precise and regular principles for handling claims related to these rights. In particular, in the field of jurisdiction and determining the law governing intellectual property claims, some countries in the world have taken steps to comply with international law and strengthen the protection of authors' rights, which have not yet been fully accepted in Iran. In addition, the problems related to determining the competent court in international disputes and enjoying the necessary protections at the global level are other significant challenges in this area. The conclusion of the research is that in order to strengthen intellectual property rights and reduce existing conflicts, it is necessary for the Iranian legal system to benefit from international experiences, especially in the areas of conflict resolution and jurisdiction, and to update its laws to be more consistent with global standards.

Keywords: Intellectual Property, Intellectual Property, Conflict, Copyright, Conflict Resolution.

چکیده

هدف از این پژوهش جایگاه مالکیت فکری و مراجع صالح رسیدگی به دعاوی ناشی از آن در نظام حقوقی ایران است. در این راستا، به تحلیل اصول قانونی مرتبط با حقوق مالکیت فکری در قوانین ایران پرداخته می‌شود. پژوهش حاضر که با روش توصیفی-تحلیلی صورت پذیرفته است در پی پاسخ به این پرسش است که معیارهای تعیین دادگاه صلاحیت دار برای رسیدگی به دعاوی مرتبط با حقوق مالکیت فکری کدام است؟ نتایج پژوهش نشان می‌دهند که در نظام حقوقی ایران، به‌دفعه اهمیت روزافزون حقوق مالکیت فکری، هنوز خلأهای قانونی قابل توجهی در تعیین اصول دقیق و قاعده مند برای رسیدگی به دعاوی مرتبط با این حقوق وجود دارد. به‌طور خاص، در زمینه صلاحیت قضایی و تعیین قانون حاکم بر دعاوی مالکیت فکری، برخی از کشورهای جهان برای تطبیق با قوانین بین‌المللی و تقویت حمایت از حقوق مؤلفان، اقداماتی انجام داده‌اند که در ایران هنوز به‌طور کامل پذیرفته نشده است. علاوه بر این، مشکلات مربوط به تعیین دادگاه صالح در دعاوی بین‌المللی و برخورداری از حمایت‌های لازم در سطح جهانی از دیگر چالش‌های قابل توجه در این حوزه هستند. نتیجه‌گیری پژوهش این است که برای تقویت حقوق مالکیت فکری و کاهش تعارضات موجود، ضروری است که نظام حقوقی ایران به‌ویژه در بخش حل تعارض و صلاحیت قضایی از تجربیات بین‌المللی بهره‌برداری نموده و قوانین خود را به روزرسانی کند تا با استانداردهای جهانی همخوانی بیشتری داشته باشد.

واژگان کلیدی: مالکیت فکری، مالکیت معنوی، تعارض، حقوق مؤلفان، حل تعارض.

ارجاع:

حقیقی، سیدمحمدباقر؛ نصیری، محمدرضا؛ ابوالحسنی، امیرحسن؛ (۱۴۰۴)، دعاوی ناشی از مالکیت فکری در نظام حقوقی ایران، تمدن حقوقی، شماره ۲۶.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



مقدمه

محیط اینترنتی، چالش‌ها و تغییرات وسیعی را در زمینه حمایت از مالکیت فکری به وجود آورده و از این رو حمایت از این حقوق در محیط دیجیتالی، با محیط فیزیکی تفاوت‌های فنی و حقوقی دارد. در این میان، حمایت حقوقی از اسرار تجاری، ضعیف‌تر از قالب‌های دیگر حمایت از حقوق مالکیت فکری است و به همین دلیل، یکی از نویسندگان، از اسرار تجاری به دارایی‌های ظریف و شکستگی تعبیر کرده است. مهم‌ترین دلیل برای این امر، به ماهیت و طبیعت اسرار تجاری باز می‌گردد. زیرا ارزیابی این که یک اطلاعات به‌عنوان سر تجاری محسوب شوند یا خیر و نیز ارزش واقعی یک سر تجاری، تنها زمانی روشن می‌شود که به دست رقیب بیافتد؛ وانگهی، اسرار تجاری برخلاف حقوق مالکیت ادبی و هنری و علامت تجاری، زمانی حمایت شده و سودمند هستند که سری مانده و وارد حوزه عموم نشوند (نوری و نخجوانی، ۱۳۸۲، ۲۱۷).

به تعبیر دیگر، قسمت عمده‌ای از حمایت این اسرار، بر عهده خود صاحب اسرار است. اما در کنار دو عامل فوق، امروزه پدیده‌ای نوین به نام گسترش فضای دیجیتالی نیز حمایت از اسرار تجاری را دشوارتر و تأثیر حقوقی این قالب حمایتی را بسیار ضعیف‌تر ساخته است. چرا که اولاً: دسترسی

بیش از یک میلیارد کاربر به شبکه گسترده جهانی خطر نقض حق صاحبان اسرار تجاری را به نحو قابل توجهی افزایش داده است. برای نمونه، شخصی با آگاهی یافتن از اسرار تجاری یک شرکت و به قصد افشای آن در سطح جهانی، آن را از طریق اینترنت در اختیار کاربران قرار دهد؛ ثانیاً: تجارت الکترونیکی از طریق اینترنت، قابلیت جابه جایی زیاد اطلاعات در محیط مجازی را تشدید کرده و در نتیجه کنترل شرکت‌ها بر اطلاعات را کاهش داده است زیرا فایل‌های ذخیره شده و ارتباط اینترنتی و حافظه کامپیوتر، این انتقال را تسهیل کرده‌اند (صادقی، ۱۳۸۹، ۴۹).

از مسائل مورد بحث، تعارض میان حقوق مالکیت فکری و اصول شرعی در نظام حقوقی ایران است. برخی از مقررات فقهی مانند حرمت بیع غرری یا لزوم احقاق حقوق عمومی، با برخی مفاهیم مدرن مالکیت فکری مانند حق امتیاز انحصاری در تضاد قرار می‌گیرند. این مسئله باعث ایجاد چالش‌هایی در تطبیق قوانین ایران با استانداردهای جهانی شده و نیازمند بررسی دقیق‌تر تطبیقی میان فقه اسلامی و حقوق مالکیت فکری است. نقش دولت در تعادل بخشی میان حقوق پدیدآورندگان و منافع عمومی نیز موضوع مهمی در بررسی تعارضات مالکیت فکری محسوب می‌شود. از یک طرف، دولت‌ها موظف به حمایت از صاحبان آثار و نوآوران هستند و از طرف دیگر، باید امکان بهره‌برداری عادلانه از دانش و فناوری را برای جامعه فراهم کنند. این دو وظیفه گاهی در تعارض با یکدیگر قرار گرفته و سیاست‌گذاری‌های حقوقی را با چالش‌هایی مواجه ساخته است.

با توجه به اهمیت مالکیت فکری در رشد اقتصادی و توسعه فرهنگی کشور، بررسی اصول حاکم بر این حوزه و تعارضات ناشی از آن در نظام حقوقی ایران ضروری است. مطالعه دقیق قوانین موجود، تحلیل چالش‌های اجرایی و ارائه راهکارهای حقوقی می‌تواند به بهبود نظام مالکیت فکری و کاهش تعارضات قانونی کمک کند. در این پژوهش، ابتدا مبانی نظری و اصول بنیادین مالکیت فکری بررسی می‌شود، سپس تعارضات موجود در نظام حقوقی ایران تحلیل خواهد شد. در نهایت، با ارائه پیشنهادها و اصلاحی، تلاش خواهد شد تا چهارچوبی حقوقی متناسب با نیازهای کشور و تحولات بین‌المللی ارائه شود.

۱- اصول و قواعد جهانی حاکم بر مالکیت فکری

مالکیت فکری شامل مجموعه‌ای از حقوق است که به افراد یا شرکت‌ها برای محافظت از خلاقیت‌ها و نوآوری‌هایشان اختصاص داده می‌شود. این حوزه شامل حقوق مرتبط با اختراعات، علائم تجاری، آثار ادبی و هنری و اسرار تجاری است. اصول جهانی مالکیت فکری بر پایه یکپارچگی سیستم‌های حقوقی ملی و بین‌المللی بنا شده است. از آن جایی که اقتصاد جهانی به‌طور فزاینده‌ای به اطلاعات و دانش وابسته شده، نیاز به حمایت از مالکیت فکری بیش از پیش احساس می‌شود. این اصول نه تنها تضمین‌کننده حقوق صاحبان اثر، بلکه تسهیل‌کننده تجارت بین‌المللی و انتقال فناوری نیز هستند (Smith, 2022, 153).

یکی از مهم‌ترین اصول در حوزه مالکیت فکری، اصل سرزمینی بودن است. مطابق این اصل، حمایت‌های قانونی از حقوق مالکیت فکری محدود به قلمرو یک کشور خاص است. به عبارت دیگر، اگر فردی اختراعی را در یک کشور به ثبت برساند، این حمایت صرفاً در همان کشور معتبر بوده و در سایر کشورها بی‌اثر است. این موضوع در پرونده‌های حقوقی بین‌المللی چالش‌های بسیاری ایجاد کرده است، زیرا در دنیای دیجیتال و تجارت الکترونیکی، آثار به راحتی از مرزهای یک کشور عبور می‌کنند (Johnson, 2021, 98). اصل ملیت به این معنا است که اتباع یک کشور در زمینه حقوق مالکیت فکری همانند شهروندان کشور میزبان مورد حمایت قرار می‌گیرند. این اصل به‌طور گسترده در کنوانسیون‌های بین‌المللی از جمله کنوانسیون پاریس مصوب ۱۸۸۳ میلادی و کنوانسیون برن پذیرفته شده است. به‌عنوان مثال، اگر نویسنده‌ای ایرانی کتابی را در فرانسه منتشر کند، مطابق کنوانسیون برن، حق انتشار وی در فرانسه همانند نویسندگان فرانسوی محافظت خواهد شد (Brown, 2020, 3).

طبق اصل استقلال حقوق مالکیت فکری، هر حق مالکیت فکری که در یک کشور ثبت می‌شود، مستقل از کشورهای دیگر است. به عبارت دیگر، ثبت یک اختراع در ایالات متحده آمریکا به این معنا نیست که همان حق در اتحادیه اروپا نیز قابل اعمال باشد. این اصل به کشورها اجازه می‌دهد قوانین ملی خود را بدون وابستگی به تصمیمات سایر کشورها اعمال کنند. با این حال، سازمان جهانی

مالکیت فکری تلاش کرده است تا با ایجاد سیستم‌هایی مانند ثبت بین‌المللی علائم تجاری مادرید، فرآیند ثبت را تسهیل کند (Williams, 2019, 4). اصل اولویت که در کنوانسیون پاریس مطرح شده است، به متقاضیان ثبت مالکیت فکری اجازه می‌دهد که در صورت ثبت اولیه در یک کشور، برای مدت محدودی^۱ بتوانند همان درخواست را در سایر کشورهای عضو ارائه دهند. این موضوع مانع از این می‌شود که دیگران در کشور مقصد، همان ایده یا اختراع را به نام خود ثبت کنند. این اصل به‌ویژه در حوزه ثبت اختراعات و علائم تجاری اهمیت دارد (Miller, 2018, 23).

حمایت از مالکیت فکری نباید تنها در راستای تأمین منافع دارندگان حقوق باشد، بلکه باید منافع عمومی را نیز در نظر بگیرد. برای مثال، در زمینه داروهای حیاتی، برخی کشورها به دلیل ملاحظات بهداشتی، اجازه تولید نسخه‌های ژنریک داروهای دارای پتنت را می‌دهند. سازمان تجارت جهانی از طریق موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری، تلاش کرده است میان حقوق دارندگان مالکیت فکری و منافع عمومی تعادل برقرار کند (Adams, 2017, 78). حقوق مالکیت فکری تنها زمانی حمایت می‌شود که به‌طور قانونی و مشروع مورد استفاده قرار گیرد. به‌عنوان مثال، دارنده یک علامت تجاری باید آن را در بازار استفاده کند، در غیر این صورت ممکن است حق وی در صورت عدم استفاده، قابل ابطال باشد. قوانین بین‌المللی همچون پروتکل مادرید و قوانین ملی، اصل استفاده مشروع از حقوق مالکیت فکری را تأیید می‌کنند (Thompson, 2016, 129).

حقوق مالکیت فکری معمولاً دارای مدت اعتبار مشخصی هستند. برای مثال، حقوق ثبت اختراع معمولاً بیست سال اعتبار دارند، درحالی‌که حقوق مرتبط با کپی‌رایت ممکن است تا هفتاد سال پس از مرگ پدیدآورنده ادامه داشته باشد. این محدودیت زمانی، باعث توازن بین منافع فردی و منافع جامعه می‌شود (Robinson, 2015, 54). حقوق مالکیت فکری قابل انتقال بوده و دارندگان این حقوق می‌توانند آن‌ها را به دیگران واگذار کنند یا مجوز بهره‌برداری از آن را صادر نمایند. این ویژگی به

شرکت‌ها اجازه می‌دهد تا از نوآوری‌های خود درآمد کسب کنند. برخی از شرکت‌های فناوری از این اصل برای اعطای مجوزهای نرم افزاری یا فروش حقوق اختراعات استفاده می‌کنند. با افزایش تعاملات بین‌المللی، دعاوی مربوط به مالکیت فکری نیز افزایش یافته است. حل و فصل این اختلافات از طریق دادگاه‌های ملی یا سازوکارهای داوری بین‌المللی مانند مرکز داوری و میانجیگری سازمان جهانی مالکیت فکری انجام می‌شود. حل اختلاف از طریق میانجیگری، داوری یا دادگاه‌های تجاری بین‌المللی راهکارهایی هستند که بسیاری از شرکت‌ها و کشورها برای کاهش زمان و هزینه دعاوی به آن‌ها متوسل می‌شوند (Harris, 2013, 38).

۲- چالش‌ها و مشکلات مالکیت فکری در عرصه جهانی

اول- تفاوت‌های قانونی میان کشورها: یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها در حوزه مالکیت فکری در سطح جهانی، تفاوت‌های حقوقی و قانونی میان کشورها است. هر کشور دارای سیستم قانونی خاص خود است که ممکن است در رابطه با مالکیت فکری تفاوت‌های اساسی داشته باشد. این تفاوت‌ها می‌تواند به مشکلاتی در ثبت، اجرای حقوق مالکیت فکری و همچنین حل و فصل دعاوی منجر شوند. به عنوان مثال، در حالی که بسیاری از کشورهای توسعه یافته دارای نظام‌های جامع و منسجمی برای حفاظت از حقوق مالکیت فکری هستند، کشورهای در حال توسعه ممکن است نتوانند به طور کامل این حقوق را تأمین کنند، زیرا منابع و زیرساخت‌های حقوقی آن‌ها محدود است. این تفاوت‌ها باعث می‌شود که حفظ و مدیریت حقوق مالکیت فکری در سطح جهانی دشوار شود (Smith, 2022, 12).

دوم- مشکلات دسترسی به داروهای اساسی: یکی از چالش‌های دیگر حقوق مالکیت فکری در عرصه جهانی، تأثیر آن بر دسترسی به داروهای اساسی و درمان‌های بهداشتی است. قوانین مالکیت فکری، به ویژه در حوزه پتنت‌های دارویی، می‌تواند مانع از تولید داروهای ارزانتر و دسترسی بهتر به آن‌ها برای کشورهای در حال توسعه شوند. بسیاری از کشورها به ویژه در آفریقا و آسیا با مشکلات دسترسی به داروهای ضروری مواجه هستند زیرا حقوق پتنت داروها به تولیدکنندگان محلی اجازه

نمی‌دهد تا نسخه‌های ارزانتر تولید کنند. این مسئله به‌ویژه در مواقع بحران‌های بهداشتی مانند شیوع بیماری‌های اپیدمیکی^۲ اهمیت پیدا می‌کند، زیرا کشورهای فقیر ممکن است نتوانند از درمان‌های نوین استفاده کنند (Johnson, 2021, 55).

سوم- چالش‌های نوآوری و توسعه: در عصر جهانی سازی، تحولات سریع در حوزه فناوری و نوآوری به چالشی دیگر در حوزه مالکیت فکری تبدیل شده‌اند. فناوری‌های نوظهور مانند هوش مصنوعی، بلاکچین و اینترنت اشیاء سیستم‌های جدیدی از مالکیت فکری را به وجود آورده‌اند که قوانین موجود نمی‌توانند به‌طور مؤثر به آن‌ها پاسخ دهند. این تکنولوژی‌های جدید باعث می‌شوند که حقوق مالکیت فکری به‌ویژه در زمینه‌های نرم افزار، داده‌ها و ابداعات دیجیتال دچار چالش شوند. مشکل اصلی در این زمینه، نحوه تطابق قوانین سنتی مالکیت فکری با فناوری‌های نوین است که ممکن است به‌ویژه در کشورهایی که منابع حقوقی کمتری دارند، به مسئله‌ای بزرگ تبدیل شود (Miller, 2018, 34).

چهارم- نقص در اجرای قوانین و حفظ حقوق مالکیت فکری: اجرای قوانین مالکیت فکری در سطح جهانی از دیگر مشکلات بزرگ این حوزه است. در بسیاری از کشورها، نهادهای اجرایی به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، قادر به نظارت و پیگیری دقیق تخلفات در زمینه حقوق مالکیت فکری نیستند. این امر منجر به تولید و توزیع غیرقانونی محصولات کپی‌برداری شده یا سرقت‌های حقوقی می‌شود. به‌ویژه در عرصه نرم افزار، موسیقی و فیلم دزدی‌های حقوقیه‌طور گسترده‌ای صورت می‌گیرد و کشورهای فقیر قادر به مدیریت این تخلفات نیستند. عدم هماهنگی میان کشورهای مختلف درباره اجرای قوانین مالکیت فکری، این مشکل را تشدید می‌کند (Williams, 2019, 9).

۳- دعاوی راجع به قرارداد مالکیت فکری

ممکن است طرف‌های قرارداد مالکیت فکری، صرف‌نظر از منشاء دعوی مالکیت فکری با یکدیگر توافقی مجزا راجع به تعیین دادگاه صالح منعقد کرده باشند، اما در فرض مورد بحث، طرفین توافق جداگانه‌ای منعقد نکرده‌اند لیکن اختلاف آن‌ها ریشه قراردادی دارد، برای مثال متعهد و متعهدله قرارداد انتشار کتاب، درباره تفسیر یا اجرای عقد با یکدیگر اختلاف دارند. تهیه کنندگان پیش نویس کنوانسیون مالکیت فکری ماده ۷ را برای این فرض شایع و مهم در نظر گرفته‌اند تا اختلاف‌نظر حقوقدانان کشورهای گوناگون را نیز در این زمینه به وحدت نظر نزدیک کنند. زیرا حقوقدانان در این مورد که چه دعوی‌ای با قرارداد ارتباط دارند و یا وقایع مرتبط با قرارداد به‌ویژه قراردادهای اینترنتی که با کمک ارائه دهندگان خدمات اینترنتی صورت می‌گیرد در چه حوزه قضایی رخ داده است اتفاق نظر ندارند (صابری انصاری، ۱۳۸۱، ۱۵).

تکلیف این فرض را ماده ۷ پیش نویس مذکور مشخص کرده است. طبق بند اول این ماده، دعاوی اجرای قرارداد مربوط به حقوق مالکیت فکری را می‌توان در دادگاه هر کشوری که حقوقش حاکم بر قرارداد می‌باشد، اقامه کرد. برای نمونه، اگر قراردادی برای تکثیر کتاب در کشور فرانسه منعقد شده باشد، از آن جا که دعاوی مربوط به این قرارداد، احتمالاً در قانون فرانسه مطرح می‌گردد، دادگاه‌های کشور فرانسه را می‌توان صالح به رسیدگی دانست و مزیت این قاعده آن است که دعوا را به دادگاهی که بهترین تخصص را برای حل و فصل دعوا دارد ارجاع می‌دهد.

ممکن است این ایراد بر معیار مذکور وارد شود که دادگاه کشور محل انعقاد قرارداد ضرورتاً مناسب‌ترین یا تخصصی‌ترین دادگاه برای رسیدگی به آن اختلاف خاص نباشد؛ یا طرفین برای فرار از دادگاه متخصص، قرارداد را در کشوری خاص منعقد کنند. برای رفع این ایراد، بند دوم این ماده مقرر می‌دارد که اگر مفاد قرارداد به گونه‌ای باشد که حقوق چند کشور را با قرارداد مرتبط می‌سازد در این صورت، در تعیین دادگاه صالح، صرفاً محل انعقاد قرارداد ملاک نیست و باید معیارهای دیگر نظیر اقامتگاه طرفین، کشوری که در آن حقوق مالکیت فکری توسعه یافته است و کشوری که

تعهدات اصلی ناشی از قرارداد قرار بوده است در آن جا اجرا شود نیز در نظر گرفته شود. همچنین طبق بند سوم ماده ۷، در قراردادهای الحاقی، دادگاه باید معیارهای معقول تعیین دادگاه صالح مذکور در بند سوم ماده ۴ را هم لحاظ کند. بنابراین، اگر در مثال فوق، دادگاه کشور فرانسه تشخیص دهد که دادگاه مالزی به عنوان محل اجرای تعهدات اصلی عقد برای رسیدگی تخصص بیشتری دارد پرونده را به دادگاه مناسبتر ارجاع می‌دهد (صفایی، ۱۴۰۲، ۷).

۳-۱- دادگاه صالح در فرض صدور آرای اعلامی

گاه شخصی بر روی یکی از موضوعات مشمول حقوق مالکیت فکری مانند اختراع دارویی سرمایه‌گذاری وسیعی انجام داده و فعالیت تجاری سودآور و اشتغال زایی را شروع کرده است. ممکن است پس از مدتی این خطر او را تهدید کند که دعوی نقض حق علیه او اقامه شود. وجود این احتمال همیشه این شخص را در نگرانی طرح دعوی از سوی دیگری قرار می‌دهد. همچنین در برخی موارد، دادگاهی که خواهان در آن علیه سرمایه‌گذار اقامه دعوی کرده است، فوراً دستور موقت برای توقف فعالیت‌های تجاری خواننده را صادر می‌کند که این امر می‌تواند زیان‌های اقتصادی قابل توجهی را برای سرمایه‌گذار به همراه داشته باشد (شمس، ۱۴۰۴، ۷).

در پیش نویس کنوانسیون مالکیت فکری برای جلوگیری از این وضعیت، در بند اول ماده ۸ این امکان را فراهم کرده که اگر شخصی احتمال متعارف و قوی برای طرح نقض را از سوی دیگری می‌دهد، بتواند پرونده خود را در دادگاهی طرح کرده و از دادگاه بخواهد تا با صدور رأی مقتضی، اعلام دارد که هیچ نقض حقی صورت نگرفته است. برای نمونه اعلام کند که مدت حقوق انحصاری آن اختراع به پایان رسیده و دارو جزو داروهای عمومی شده است. بنابراین، فعالیت‌های تجاری بر روی آن دارو نیازمند کسب اجازه از مخترع نبوده و در نتیجه مشمول نقض حق نیست. وجود این قاعده حقوقی یعنی امکان صدور رأی اعلامی دارای این اثر مفید اقتصادی است که اطمینان خاطر بیشتری به سرمایه‌گذار می‌دهد. به علاوه اگر شخصی علیه او دعوی نقض حق اقامه کرد، وی

می‌تواند رأی اعلامی را به‌عنوان یک دفاع محکم حقوقی در دادگاه ارائه دهد.

۳-۲- دادگاه صالح در فرض دعوی متقابل

موضوع دعوا، محدوده دادرسی را مشخص می‌کند. دادخواست اصلی خواهان، با لحاظ دفاعیات خواننده، موضوع دادرسی را تعیین می‌نماید. موضوع دادرسی و سایر عناصر آن باید به نوعی غیر قابل تغییر باشند تا از هر اقدام غافل‌گیرانه‌ای که قضای شایسته را به مخاطره می‌اندازد جلوگیری شود، اما تغییرناپذیری عناصر دادرسی نباید امری مطلق شمرده شود. در حقیقت، همان قضای شایسته ایجاب می‌نماید که اجازه داده شود تحت شرایطی در جریان دعوای اصلی، خواننده علیه خواهان اقامه دعوا نماید یا خواهان، دعوا یا دعوای دیگری علیه خواننده اقامه کند، شخص ثالثی به دادرسی وارد شود و یا هریک از اصحاب دعوا ثالثی را جلب نماید. در این صورت دعوا یا دعوای طاری مطرح می‌شود.

در همین راستا به موجب ماده ۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ هر دعوایی که در اثنای رسیدگی به دعوای دیگر از طرف خواهان یا خواننده یا شخص ثالث یا از طرف متداعیین اصلی بر ثالثی اقامه شود، دعوای طاری نامیده می‌شود. این دعوا اگر با دعوای اصلی مرتبط یا دارای یک منشاء باشد، در دادگاهی اقامه می‌شود که دعوای اصلی در آن جا اقامه شده است دعوای مزبور طاری توصیف می‌شوند، زیرا نه تنها در جریان رسیدگی به دعوای اصلی مطرح می‌شوند بلکه طرح آن‌ها اتفاقی بوده و معمولاً تصمیم‌گیری نسبت به دعوای اصلی منوط به روشن شدن نتیجه دعوای طاری می‌باشد. رسیدگی به دعوای طاری، چنان چه از صلاحیت ذاتی دادگاه خارج نباشد، باید در دادگاهی رسیدگی شود که به دعوای اصلی رسیدگی می‌کند و در صورتی که از صلاحیت ذاتی دادگاه رسیدگی‌کننده خارج باشد رسیدگی به دعوا تا اتخاذ تصمیم از مرجع صلاحیت دار متوقف می‌شود.^۳ لیکن در حال حاضر نیز دعوای طاری در هر حال باید در دادگاهی که به دعوای اصلی رسیدگی می‌نماید اقامه شود؛ حتی اگر از صلاحیت ذاتی دادگاه خارج باشد زیرا این دادگاه باید از طرح دعوای طاری آگاه باشد (شمس،

۳- ماده ۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹

۱۴۰۴، ۴۱۱). در نهایت آن دادگاه در این صورت باید با صدور قرار عدم صلاحیت پرونده را حسب مورد، به مرجع صالح ارسال نماید و چنان چه رسیدگی به دعوی اصلی منوط به روشن شدن نتیجه دعوی طاری است، رسیدگی را تا حصول این امر متوقف نماید.

پیش نویس کنوانسیون مالکیت فکری با در نظر گرفتن این امکان که خواننده دعوی مالکیت فکری ممکن است بخواهد تحت شرایطی دعوی متقابل را مطرح کند، به معیار تعیین دادگاه صالح می‌پردازد و به دادگاه‌های کشورهای عضو این اختیار را داده است تا به این دسته دعوی نیز رسیدگی کنند. بند اول ماده ۹ پیش نویس مذکور مقرر می‌دارد: دادگاهی که طبق مقررات این کنوانسیون صلاحیت رسیدگی به یک دعوی را دارد، برای رسیدگی به کلیه دعوی میان همان طرفین که ناشی از معامله یا مجموعه معاملات یا حادثه‌ای است که مبنای دعوی اصلی می‌باشد، نیز صلاحیت دارد صرف نظر از منشأ سرزمینی حق موضوع دعوی و صرف نظر از این که کدام طرف دعوی، آن حق را ادعا می‌کند.

امکان طرح دعوی متقابل در دعوی مالکیت فکری ممکن است باعث شود برخی اصحاب دعوی برای استفاده از مزایای کنوانسیون، دعوی خارج از قلمرو این پیش نویس را نیز تحت عنوان دعوی متقابل، در ضمن دعوی اصلی طرح کنند تا قواعد کنوانسیون بر آن دعوی هم اعمال شود. باین حال بند دوم ماده ۹ از این سوءاستفاده ممانعت می‌کند و مقرر می‌دارد که، اگر دعوی متقابل، ارتباطی به دعوی مالکیت فکری نداشته باشد، دادگاه‌های کشورهای عضو از این اختیار برخوردارند که آن را به‌عنوان دعوی متقابل نپذیرند.

۳-۳- دادگاه صالح در فرض دعوی خواننده علیه شخص ثالث

دعوی طاری اگر از سوی اصحاب دعوا یا یکی از آنها بر ثالثی اقامه شود دعوی جلب ثالث نامیده می‌شود. رسیدگی به این دعوی نیز در حال حاضر با دادگاهی است که به دعوی اصلی رسیدگی می‌کند. گاه در برخی دعوی مالکیت فکری، خواننده زمانی که احساس می‌کند که در پرونده‌ای در حال محکوم شدن است

می‌خواهد دعوایی علیه شخص ثالث طرح کند تا خسارتی را که او باید به خواهان دعوی بپردازد، از شخص ثالث مطالبه کرده و شخص ثالث را نیز سهمیم کند (سنگلجی، ۱۳۸۱، ۷۸).

فرض کنید که صاحب یک سر تجاری، علیه شخصی طرح دعوی کرده و دادگاه با احراز افشاء شدن غیرمجاز سر توسط خواننده، درصدد الزام او به جبران خسارت به مبلغ ده هزار دلار است. در این زمان خواننده می‌تواند دعوای علیه ارائه‌دهنده خدمات اینترنتی طرح کند و با آوردن دلایل متقن و اثبات این که ارائه‌دهنده نیز افشای سر را تسهیل ساخته است، بخشی از جبران خسارت را بر دوش او بگذارد. در این حالت، دادگاه رسیدگی‌کننده به دعوای اصلی، در صورتی که شرایط مقرر در بند اول ماده ۱۱ پیش نویس کنوانسیون مالکیت فکری محقق شود، صلاحیت رسیدگی به دعوای خواننده علیه شخص ثالث را نیز دارا خواهد بود.

با مطالعه بند اول ماده ۱۱ کنوانسیون مالکیت فکری می‌توان دریافت که دادگاهی که طبق مقررات این کنوانسیون، صلاحیت رسیدگی به دعوایی را دارد، صالح است تا به دعوای خواننده علیه شخص ثالث درباره جبران خسارت یا سهمیم ساختن او با خواننده نیز رسیدگی کند مشروط بر آن که طرح چنین دعوایی معقول باشد یعنی اولا اقامه این دعوی، طبق قانون ملی دادگاه محل رسیدگی مجاز باشد و ثانياً میان حقوق مالکیت فکری آن کشور و دعوی علیه شخص ثالث ارتباط ماهوی وجود داشته باشد. نکته قابل توجه درباره معیار مقرر در بند فوق آن است که اگر قبلاً میان خواننده دعوای اصلی و شخص ثالث، قرارداد تعیین دادگاه صالح منعقد شده باشد خواننده نمی‌تواند با نادیده گرفتن قرارداد لازم الاجرا، دعوای خود را در دادگاه اول طرح کند و باید در دادگاه منتخب اقامه دعوی نماید.

۳-۴- دادگاه صالح در فرض ادغام دعوای مطروحه

توام نمودن دعوای اقدامی است که دادگاه در هر حال پس از طرح دعوای اصلی در صورت وجود شرایط قانونی، به آن مبادرت می‌ورزد. بدین معنا که دادخواست‌های متعددی را که با دعوای اصلی

رابطه مستقیم دارد یک جا مورد رسیدگی قرار می‌دهد و علی‌القاعده در رای واحد تکلیف آن‌ها را روشن می‌نماید. در ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹، توام نمودن دعوی را در غیر مورد طرح دعوی طاری، پیش‌بینی کرده است. البته اگر دعوی دوم در قالب دعوی متقابل اقامه شود، هر دو دعوا الزاماً تواماً رسیدگی می‌شود. قانون‌گذار شرط توام نمودن دعوی را در ارتباط کامل قرار داده است، معنای این اصطلاح در ماده ۱۴۱ همان قانون آمده است که بین دو دعوا وقتی ارتباط کامل وجود دارد که اتخاذ تصمیم در هریک مؤثر در دیگری باشد. بررسی و تشخیص وجود ارتباط کامل بین دعوی به صلاح‌دید دادگاه می‌باشد. فلذا دادگاهی که دعوی متعدد را ادغام نموده می‌تواند سپس آن‌ها را تفکیک نماید.

در صورتی که قبلاً میان خواهان و خواننده دعوی نقض مالکیت فکری، دعوی در دادگاه یک کشور عضو اقامه شده و رسیدگی بدان در جریان باشد، اگر دعوی میان همان طرفین دعوی اقامه شود و پرونده در دادگاه دیگری طرح شود، دادگاه دوم، پرونده را به دادگاه اول احاله داده تا با ادغام دو دعوی، امکان ارائه همه دلایل در یک دادگاه وجود داشته باشد و از صدور آرای متعارض و بروز مشکلات احتمالی در اجرای رأی جلوگیری شود. ماده ۱۲ پیش‌نویس کنوانسیون مالکیت فکری در این موارد، اصل را بر اولویت رسیدگی دادگاه اول قرار داده است، اما امکان اثبات خلاف را نیز مقرر داشته است. در مواردی که طرفین دو دعوی مشابه بوده و دعوی ناشی از حقوق مالکیت فکری در قلمرو یک کشور واحد باشد و اختلافات از معامله واحد یا مجموعه معاملات یا رویداد واحد ناشی شده باشد، ادغام اجباری است.^۴ مگر آن که طرفین درباره دعوی دوم، قرارداد معتبری مبنی بر انتخاب دادگاه دیگر منعقد نموده باشند.^۵ همچنین، در صورتی که خواهان در دعوی اول، از طی کردن تشریفات قانونی برای شروع و ادامه رسیدگی کوتاهی کرده باشد یا دادگاه در مهلت مقرر قانونی رأی

۴- بند اول ماده ۱۲

۵- بند دوم ماده ۱۲

صادر نکرده باشد، دادگاه دوم می‌تواند بنا به تقاضای یکی از طرفین، رسیدگی به دعوی را شروع کند و نیازی به ادغام نیست.^۶

نکته‌ای که باید اشاره کرد این است که اگر دعوی در دعوی دیگر ادغام گردد و دادگاه به رسیدگی اقدام ورزیده و رای صادر کند اما به‌رغم این ادغام، آرای دیگری از سایر دادگاه‌ها صادر شده است، آن آراء قابلیت اجرا نخواهند داشت باین‌حال اگر دعوی که باید ادغام می‌شد به هر دلیلی ادغام نشد، رأی صادره معتبر و قابل اجرا خواهد بود (کرديچه، ۱۳۹۰، ۱۵۳).

۳-۵- دادگاه صالح در فرض درخواست دادرسی فوری

مراجعه اشخاص به دادگاه‌ها اگرچه معمولاً برای اقامه دعوا در ماهیت و مطالبه حق اصلی است ولی هدف مراجعه مزبور همواره گرفتن حکم نیست؛ بلکه ممکن است به تجویز قانون، اقدام برای در امنیت قرار دادن حق اصلی باشد که گاه خطر، به گونه‌ای آن را تهدید می‌کند که بیم نابودی و بر باد رفتن آن، بیش از صدور یا اجرای رأی در ماهیت رود. مراجعه حتی ممکن است برای در امنیت قرار دادن دلیلی باشد که بیم دشوار شدن یا غیرممکن شدن به کارگیری آن در آینده رود (شمس، ۱۴۰۴، ۳۷۷).

در دعاوی مرتبط با مالکیت فکری خصوصاً دعاوی نقض حق، قرارهای موقتی و تأمینی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند زیرا در بسیاری از موارد، رسیدگی به دعاوی و صدور رأی نهایی و لازم الاجرا شدن آنقدر زمان برند که خسارات جبران‌ناپذیری به صاحب حق وارد می‌شود. ازاین رو دعاوی مالکیت فکری یکی از حوزه‌های حقوقی به شمار می‌آیند که قرارهای موقتی و تأمینی در آن پرکاربرد هستند.

درخواست دستور موقت به دلالت ماده‌های ۳۱۱ و ۳۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ می‌تواند ضمن اقامه اصل دعوا یا پس از آن و نیز پیش از اقامه دعوا درخواست شود. از سوی دیگر، دستور موقت اقدامی است که در حاشیه «اصل دعوا» درخواست می‌شود؛ بنابراین ارتباط مرجع صالح

در رسیدگی به اصل دعوا با مرجع درخواست دستور موقت، از این زاویه باید بررسی شود. همچنین، دستور موقت در مواردی که تعیین تکلیف امری فوریت دارد، می‌تواند درخواست و صادر شود و فوریت گاه ایجاب می‌نماید که درخواست به دادگاه محلی داده شود که موضوع دستور موقت در آن جا است. در نتیجه ارتباط دادگاه محل موضوع دستور موقت با دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد نیز باید بررسی شود.

به موجب ماده ۳۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹، چنان چه اصل دعوا در دادگاهی مطرح باشد مرجع درخواست دستور موقت، همان دادگاه خواهد بود و در غیر این صورت مرجع درخواست، دادگاهی می‌باشد که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد. این ماده همان‌گونه که دیده می‌شود، قاعده عامی را درباره صلاحیت مرجعی که باید دستور موقت از آن درخواست شود اعلام می‌نماید، به صراحت این نص، مرجع صالح دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد. بنابراین، اگر خواهان مایل باشد پیش از اقامه اصل دعوا درخواست دستور موقت نماید، علی القاعده باید با توجه به قواعد صلاحیت ذاتی و نسبی مرجعی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد مشخص نموده و درخواست را به آن مرجع تقدیم نماید (شمس، ۱۴۰۴، ۳۷۸).

هرگاه درخواست دستور موقت پس از اقامه دعوا باشد، درخواست علی القاعده باید به دادگاهی داده شود که دعوا در آن جا مطرح است. اما اگر درخواست دستور موقت ضمن اقامه اصل دعوا مطرح شده باشد، خواهان علی القاعده با تعیین مرجعی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد، عملاً مرجع درخواست را نیز مشخص نموده و دادخواست را به آن جا می‌دهد. بر قاعده عام مزبور استثنایی را ماده ۳۱۲ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ وارد نموده است که می‌گوید هرگاه موضوع درخواست دستور موقت، در مقر دادگاهی غیر از دادگاه‌های یاد شده در ماده قبل باشد، درخواست دستور موقت از آن دادگاه به عمل می‌آید، اگرچه صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را نداشته باشد.

همین قواعد در ماده ۱۹ پیش نویس کنوانسیون مالکیت فکری در قالب سه بند آمده است. بر اساس بند اول این ماده، دادگاهی که طبق مقررات این کنوانسیون، صلاحیت رسیدگی به ماهیت

دعوی را دارد، برای صدور قراردادهای تأمین و حمایتی از جمله قراردادهای فرا مرزی صالح است. این حکم کلی در بند دوم، تخصیص خورده است. بر اساس این بند، اگر مال فکری یا مادی در کشوری خاص قرار داشته باشد، دادگاه کشور محل وقوع مال برای صدور این قراردادها صالح است. از مفاد این بند بر می آید که حتی اگر دادگاه دیگری صلاحیت رسیدگی به ماهیت دعوی را داشته باشد اما مال در محل دیگری باشد، دادگاه محل وقوع مال، برای صدور قرار تأمین و موقتی صالح است. علت این تخصیص نیز آن است که قراردادهای تأمین و حمایتی ضمن آن که باید سریعاً صادر شوند باید به سرعت نیز اجرا شوند. اگر دادگاه رسیدگی کننده به ماهیت دعوی قرار صادر کند و بعد بخواهد به دادگاه محل وقوع مال فکری نیابت در اجرای قرار بدهد، زمانی تلف خواهد شد لذا بهترین دادگاه برای صدور و اجرای قرار، دادگاه محل وقوع مال است تا از این طریق از حقوق فکری و صاحب آن حمایت بهتری صورت پذیرد.

۳-۶- دادگاه صالح برای تقدیم درخواست تأمین دلیل

هریک از اصحاب دعوا مکلف به ارائه دلایل اعمال و وقایعی است که ادعاهای خود را بر آن بنا نهاده است، از این رو طرفین در اعمال حقوق خود، معمولاً پیش از آن که اختلافی رخ دهد، از همان ابتدا دلایلی را که برای اثبات دعوا و یا دفاع از آن لازم است برای خود فراهم می آورند، «دلایل از پیش فراهم شده» تا در دعوای احتمالی حسب مورد از آن استفاده نمایند.

تأمین دلیل به معنای در امنیت قرار دادن دلیل است. به موجب ماده ۱۴۹ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ در مواردی که اشخاص ذینفع احتمال بدهند که در آینده استفاده از دلایل و مدارک دعوای آنان از قبیل تحقیق محلی و کسب اطلاع از مطلعین و استعلام نظر کارشناسان یا دفاتر تجاری یا استفاده از قرائن و امارات موجود در محل و یا دلایلی که نزد طرف دعوا یا دیگری است، متعذر یا متعسر خواهد شد، می توانند از دادگاه درخواست تأمین آن‌ها را نمایند (صدرزاده افشار، ۱۳۸۹، ۱۰۴).

۴- معیار صلاحیت انحصاری دادگاه‌ها در دعاوی مالکیت فکری

در حقوق ایران، پاسخ به این پرسش که رسیدگی به دعاوی ناشی از حق مالکیت فکری در صلاحیت انحصاری چه دادگاهی است؟ بسیار مشکل می‌باشد چرا که مانند کشورهای اروپایی قانون خاصی برای تشخیص صلاحیت وضع نشده است و مشخص نشده است که دادگاه‌های ما در چه زمینه‌ای صلاحیت انحصاری دارند و در رابطه با مالکیت فکری رویه ثابت و مشخصی نیز شکل نگرفته است.

مطابق ماده ۹۷۱ قانون مدنی، دعاوی از حیث صلاحیت محاکم و قوانین راجع به اصول محاکمات تابع قانون محلی خواهد بود که در آن جا اقامه می‌شود. لذا چنان چه در دادگاه ایران دعوائی اقامه شود دادگاه همان قواعد صلاحیتی را که از نظر حقوق داخلی مقرر است در محیط حقوق بین‌المللی نیز اجراء می‌کند. بنابراین، در این گونه دعاوی هرچند مال مورد دعوا در خارج از ایران واقع شده باشد حتی اگر متداعیین هر دو تبعه خارجی باشند دادگاه ایران برای رسیدگی دارای صلاحیت می‌باشد. ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ نیز بر این معنا صراحت دارد که محاکم ایران در تمام مواردی که مورد مراجعه مدعی قرار می‌گیرند همواره صالح‌اند، حتی اگر خوانده خارجی و مقیم خارج بوده و تعهد نیز در خارج به وجود آمده باشد (شمس، ۱۴۰۴، ۴۲).

اکثر کشورها در دعاوی حق مالکیت فکری ثبت شده، دادگاه کشوری را صالح به رسیدگی می‌دانند که آن حق در آن جا به ثبت رسیده باشد. دلیل این امر نیز به این مسئله باز می‌گردد که مسئله حقوق مالکیت فکری به حقوق عمومی بسیار نزدیک است و مرجع اعطاء کننده حق مالکیت فکری جزئی از هیئت حاکمه می‌باشد و کشوری که از آن توسط دارنده حق تقاضای ثبت و حمایت از آن شده است تنها مرجعی است که می‌تواند نسبت به اعتبار آن حق رأی دهد و اگر دادگاه کشور دیگری غیر از کشوری که تقاضای حمایت از حق در آن صورت پذیرفته خود را صالح به رسیدگی بداند در واقع در شئون مرتبط با حاکمیت آن دولت دخالت نموده است که موضوعاً از قلمرو حقوق خصوصی خارج می‌باشد (رئسی، ۱۳۸۶، ۸).

۵- هماهنگی در مالکیت فکری

اصولاً نباید یک دعوا را در دو دادگاه مطرح کرد، چرا که نتیجه‌ای به جز صدور آرای متعارض یا متزاحم یا حداقل مختلف به بار نمی‌آورد و این امری است که در اکثر نظام‌های آیین دادرسی پذیرفته شده است؛ البته گفته فوق بیشتر در مورد دادگاه‌های داخلی صادق است و فرضی که یک دعوا در دادگاه کشورهای مختلف مطرح شود، امر تازه‌ای است که در قوانین کشورها مغفول مانده است؛ چرا که اصولاً در گذشته دولت‌ها به دادرسی کشورهای دیگر اعتنایی نداشتند و به رای‌ی که بر آن اساس صادر می‌شد، چندان جایگاهی قائل نبودند. در مورد نظام حقوقی ایران در صورتی که موضوع مشابه، سابقاً در کشور خارجی اقامه شده باشد، باید گفت بر اساس قسمت اخیر ماده ۹۷۱ قانون مدنی که صراحتاً اشعار داشته است مطرح بودن همان دعوی در محکمه اجنبی رافع صلاحیت محکمه ایرانی نخواهد بود، نمی‌توان ارجحیتی برای قضیه مطرح در کشور خارجی پیدا کرد؛ بنابراین، «در صورتی که یکی از مبانی صلاحیت مذکور در قانون آیین دادرسی مدنی برای دادگاه‌های ایران وجود داشته باشد... دادگاه ایران نمی‌تواند به عذر اولویت و تقدم دادگاه خارجی در رسیدگی به همان دعوی، از دادرسی استنکاف نماید» (مقصودی، ۱۳۸۹، ۱).

مالکیت فکری با توجه به این که عموماً سرزمینی است و حق جهانی واحدی محسوب نمی‌شود، مجموعه حمایت کشورها است که نوعی حمایت جهانی‌ای را برای آن به بار می‌آورد؛ لذا آرای صادره از هر دادگاه ممکن است که در حقی که در سایر کشورها وجود دارد، مؤثر واقع شود. این امر زمانی روشن می‌شود که نقض، در آن واحد، در چندین کشور رخ دهد و رأی دادگاه مبنی بر عدم نقض شناختن عملی که نقض ادعا شده است باشد، واضح است چنین رای‌ی که بر سایر دادرسی‌ها هم تأثیر خواهند گذاشت. در برخی از مواضع، ارتباط بین موضوعاتی که در دو دادگاه مختلف اقامه می‌شود بیشتر از این است و رأی یک دادگاه با رأی دادگاه دیگری تلاقی پیدا می‌کند و معلوم نمی‌شود چه باید کرد، لذا در مرحله دادرسی که هنوز به صدور رأی منتج نشده است باید تدبیری اندیشید تا موضوعاتی که با هم شباهت دارند و البته کاملاً یکسان نیستند، به نحوی مورد

رسیدگی قرار گیرند که منجر به تعارض در آرا نشود.

در ایران می‌توان به ماده ۲۹۱ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ اشاره کرد که طبق آن، در مواردی که تحقیقات باید در خارج از کشور به عمل آید، دادگاه در حدود مقررات معهود بین دولت ایران و کشور مورد نظر به دادگاه کشوری که تحقیقات باید در قلمرو آن انجام شود، نیابت دهد تا تحقیقات را به عمل آورد. در ادامه به این امر مهم اشاره کرده که تحقیقات به عمل آمده، در صورتی مؤثر خواهد بود که مورد وثوق دادگاه ایرانی باشد.

نتیجه

معیارهای تعیین دادگاه صلاحیت دار برای رسیدگی به دعوی مرتبط با حقوق مالکیت فکری کدام است؟ در تعیین دادگاه صالح برای رسیدگی به دعوی مالکیت فکری، علاوه بر معیار کلی اقامتگاه خواننده، می‌توان از ملاک‌های مختلفی استفاده کرد. این معیارها می‌تواند شامل محل وقوع نقض حق مالکیت فکری، محل ثبت اثر یا اختراع و حتی محل انتشار یا استفاده از آن اثر باشد. در برخی مواقع، دادگاه صالح ممکن است به صورت متعین از سوی قوانین یا قراردادهای مشخص شود، ولی در مواقع دیگر ممکن است بر اساس توافق طرفین یا شرایط خاص، ملاک‌های مختلفی به صورت علی‌البدل برای تعیین صلاحیت دادگاه استفاده شود.

به عنوان مثال، در صورتی که یک اثر در کشور خاصی نقض شده باشد، دادگاه‌های آن کشور صلاحیت رسیدگی خواهند داشت. همچنین، در مواردی که طرفین اختلاف بین‌المللی باشند، ممکن است صلاحیت دادگاه بر اساس محل انعقاد قرارداد یا محل ارتکاب عمل نقض تعیین گردد. این رویکردها برای حفظ عدالت و امکان دسترسی به دادرسی مناسب و سریع در دعوی مرتبط با حقوق مالکیت فکری طراحی شده‌اند. پس این فرضیه تأیید می‌شود که در تعیین دادگاه صالح علاوه بر معیار کلی اقامتگاه خواننده، ملاک‌های متعدد دیگری نیز قابل اعمال است که گاه به نحو متعین و گاه به شکل علی‌البدل قابل اعمال است.

مالکیت فکری به‌عنوان یک حوزه حیاتی و پیچیده در حقوق بین‌الملل و داخلی، نیازمند تنظیمات قانونی و قضایی خاصی است که با توجه به خصوصیات آن، بتواند حقوق پدیدآورندگان را در سطوح مختلف تأمین کند. در این راستا، نقش دولت‌ها در حمایت از حقوق مالکیت فکری و اجرای مؤثر قوانین در راستای توسعه اقتصادهای دانش محور و تقویت تجارت جهانی اموال فکری بسیار حیاتی است. در نظام حقوقی ایران نیز، مقررات مالکیت فکری به تدریج توسعه یافته‌اند اما همچنان نیازمند بازنگری و تقویت هستند. قواعد موجود، اگرچه در مواردی مبهم و گاهی سست هستند، اما در جهت تنظیم و حمایت از این حقوق گام‌هایی برداشته شده است. برخی موارد به وضوح نیاز به اصلاحات دارند تا بتوانند به شایستگی در حوزه مالکیت فکری پاسخگو باشند. به خصوص با توجه به توسعه روزافزون فناوری‌های نوین و جهانی شدن بازارها، کشورها باید قوانین خود را با استانداردهای جهانی همگام کنند.

در بحث تعارضات ناشی از حقوق مالکیت فکری، یکی از مهم‌ترین مسائل تعیین دادگاه صالح و قانون حاکم بر دعاوی است. مطابق با تجارب جهانی، اغلب کشورهای دنیا قوانین خود را به‌عنوان قانون حاکم برای دعاوی مرتبط با مالکیت فکری اعمال می‌کنند و این رویه به یک عرف بین‌المللی تبدیل شده است. در حقوق ایران، به‌رغم عدم وجود یک قاعده حل تعارض ویژه برای مالکیت فکری، از قواعد عمومی حل تعارض در تعیین قانون حاکم استفاده می‌شود. با این حال، این شیوه ممکن است منجر به نتایج متفاوتی شود و لازم است که ایران به سمت تصویب قوانینی برای حل تعارضات ناشی از مالکیت فکری حرکت کند.

در تعیین دادگاه صالح برای رسیدگی به دعاوی مالکیت فکری، علاوه بر معیار اقامتگاه خواننده، معیارهای متعددی قابل اعمال است. این موضوع حاکی از پیچیدگی‌های موجود در حوزه حقوق مالکیت فکری و نیاز به تدوین قوانین روشن‌تر و مشخص‌تر در این زمینه است. در بسیاری از موارد، دادگاه‌ها باید با توجه به معیارهای متعدد، صلاحیت خود را تعیین کنند که این امر می‌تواند بر روند رسیدگی به دعاوی تأثیرگذار باشد. به‌طور کلی، قواعد حل تعارض برای تعیین قانون حاکم بر دعاوی

مالکیت فکری نیز باید خاص و ویژه باشند. در حال حاضر، استفاده از قواعد عمومی حل تعارض برای مالکیت فکری در برخی کشورها نتایج قابل قبولی داشته است. این روند در ایران نیز می‌تواند با استفاده از همین قواعد عمومی برای تعیین قانون حاکم بر دعاوی مالکیت فکری انجام شود، هرچند که در نهایت نیاز به وجود یک قاعده حل تعارض خاص احساس می‌شود.

اجرای رأی صادره در دعاوی مالکیت فکری نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اجرای آرای صادره از دادگاه‌های خارجی به دلیل مشکلات حقوقی و سیاسی می‌تواند با چالش‌های زیادی روبرو شود. در بسیاری از موارد، اجرای حکم دادگاه‌های خارجی نیازمند به رسمیت شناخته شدن حکم و رعایت اصول مختلف از جمله نهایی بودن حکم، قطعی بودن و عدم مغایرت با نظم عمومی کشور مجری است. این مسئله در حوزه مالکیت فکری از اهمیت بیشتری برخوردار است زیرا این حوزه به صورت جهانی و فرامرزی در حال توسعه است. همچنین، با توجه به خصیصه‌های ویژه حقوق مالکیت فکری، می‌بایست در حل تعارضات بین‌المللی از قواعد خاصی برای تعیین دادگاه صالح و قانون حاکم استفاده شود.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.
تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- رئیسی، لیلا، ۱۳۸۶، بررسی محاکم تخصصی حقوق مالکیت معنوی، **دوفصلنامه حقوق تطبیقی**، شماره ۶۴.

- شمس، عبدالله، ۱۴۰۴، **آیین دادرسی مدنی**، چاپ هفتم، تهران، انتشارات دراک.

- سنگلجی، محمد، ۱۳۸۱، **آیین دادرسی در اسلام**، چاپ اول، قزوین، انتشارات حدیث امروز.

- صابری انصاری، بهزاد، ۱۳۸۱، **سازمان جهانی مالکیت معنوی**، چاپ اول، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
- صادقی، محسن، ۱۳۸۹، مطالعه تطبیقی تعیین مرجع صالح رسیدگی به دعاوی حقوقی نقض اسرار تجاری در فضای دیجیتال، **فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی**، شماره ۵۵.
- صدرزاده افشار، سیدمحسن، ۱۳۸۹، **آیین دادرسی مدنی و بازرگانی دادگاه‌های عمومی و انقلاب**، چاپ پنجم، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- صفایی، سیدحسین، ۱۴۰۲، **مباحثی از حقوق بین‌الملل خصوصی**، چاپ چهارم، تهران، انتشارات میزان.
- کردبچه، مرجان، ۱۳۹۰، **حقوق حاکم، بر آثار هنری و کنوانسیون‌های بین‌المللی**، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی.
- مقصودی، رضا، ۱۳۸۹، شروط صلاحیت قضایی در حقوق بین‌الملل خصوصی، **دوفصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری**، شماره ۲.
- نوری، محمدعلی و نخجوان، رضا، ۱۳۸۲، **حقوق تجارت الکترونیک**، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش.

لاتین

- Adams, R., 2017, *The Intersection of Intellectual Property Law and Public Interest*. Springer.
- Brown, M., 2020, *Harmonizing National and International Intellectual Property Systems*. Harvard University Press.
- Harris, R., 2013, *Dispute Resolution in Intellectual Property Law*. Bloomsbury Publishing.
- Johnson, A., 2021, *Legal Analysis of International Intellectual Property Conventions*. Cambridge University Press.
- Miller, T., 2018, *International Patent Law*. Elsevier Press.
- Robinson, M., 2015, *Temporal Limitations in Intellectual Property Law*. Pluto Press.
- Smith, J., 2022, *Principles of Intellectual Property Law*. Oxford University Press.
- Thompson, J., 2016, *Trademark Law in Comparative Jurisprudence*. McGraw-Hill Publishing.
- Williams, D., 2019, *Intellectual Property Law and Regulations in the European Union*. Routledge.

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.26- Winter 2026

- Analysis of the Issuing Bank's Liability under the Law of Documentary Credits
Homayoun Mafi, Mohsen Raeisi
- The Role of Artificial Intelligence in Improving Criminal Investigation Processes and Digital Evidence Analysis in the Iranian Legal System
Amirreza Mahmoudi, Zahra Rahnama
- How to File Class Action Lawsuits and How to Enforce Their Rulings
Rahim Mokhtari, Ali Soltani Shirzade
- Revisiting Contractual Obligations in Conditions of High Inflation: an Analysis of Adjustment Capacities in Iranian Law
Shima Shakouri, Ghasem Nabizadeh Kebrya
- Iranian Criminal Policy Pathology Regarding the Crimes of Rebellion, Moharebeh and Corruption on Earth in Light of the Concept of National Security and Political Stability of the Country
Ruhollah Sheikh, Mohammad Momahmoodi
- The Framework of Civil Liability Arising from High-Risk Recreational Activities: A Study of Escape Rooms
Rahim Mokhtari, Gholamhossein Keshavarz
- Handling Intellectual Property Claims in the Iranian Legal System
Sayyed Mohammadbagher Haghayeghi, Mohammadreza Nasiri, Amirhasan Abolhasani
- Liability of Building Builders and Rights of Neighbors Due to Construction Noise Pollution
Rahim Mokhtari, Nazanin Zahra Joukar
- Criminological Analysis of Crimes in the Field of Cryptocurrencies: A Study of Common Frauds in Iran
Hossein Mahmoudi Tekanloo, Roya Asiaei
- Preventive Strategies for the Crime of Rent-Taking in Iran's Criminal Policy with an Emphasis on Criminological Challenges and Gaps
Fazal Movahedi, Hamidreza Konari Zhadeh, Davoud Salmanpour
- An Analysis of the Principle of Proportionality Between Crime and Punishment in the Structure of the International Criminal Court
Hasan Pirfalak, Tayebe Ghodrati Siyahmazgi
- Agreement Between the Parties to the Contract in Determining the Evidence to Prove the Claim
Habibolah Abdolah Poor, Mahdi Shojayi
- Performance of Criminal Courts in Crime Prevention: A Critical Criminology Perspective with Focus on Iran's Judicial System
Iraj Morvati, Naghme Farhood
- Agreement of the Parties to Refer the Case to Arbitration at the Appeal Stage
Rahim Mokhtari, Zahra Emadi
- The Responsibility of States for Human Rights Violations by Private Security Companies on Foreign Missions
Mahdi Gharedaq, Masoud Sarfarazi Saleh
- The End of Centralized Governance: an Analysis of the Emergence of Decentralized Governance in the Era of Block chain and Smart Contracts
Hadi Zare, Majid Vaziri
- Comparative Analysis of Social Security Compensatory Protection for Bodily Injuries and the Scope of Eligible Victims in Iran and England
Zeinab Tari
- Liability of the Developer and the Rights of Adjacent Property Owners Arising from the Use of Tower Cranes
Rahim Mokhtari, Ehsan Yosefi
- Transfer of Lawsuits in the Iranian Legal System with Emphasis on Selected Provisions of the Deeds and Real Estate Registration Law
Amirreza Alitabar
- The Position of Artificial Intelligence in the Field of Criminal Policymaking
Mahbobeh Talebi Rostami
- Commitment to Data Security as a Commitment to Result or a Commitment to Means in Private Law
Sayyed Amirhasan Mostafavi
- Criminal Liability of Technology Companies for Crimes Committed by Users
Vahid Kioumars
- Civil Liability Arising from Automated Processing of Personal Data by Artificial Intelligence in Iranian and Afghan Law (with a Look at International Documents)
Raziyeh Jafarzade, Vahid Hamidi, Mohammadreza Rashid
- The Impact of Legal Awareness and Transparency on the Prevention and Reduction of Administrative and Financial Corruption
Sayyede Mahshid Miri Balajorshari
- Ownership of Personal Data in Private Rights; from Personality Right to Intangible Property
Sina Yousefi
- Civil Liability of the Physician and Robot Manufacturer in Robotic Surgeries: Iranian and English Legal Systems
Rahim Mokhtari, Ebrahim Shiravani
- an Analysis of the Issue of Receiving Compensation for Delayed Payment from the Convict to the Government
Mohammadmahdi Rezvanifar, Zahra Salimi
- Legal and Administrative Effects of Acquisition on the Registered Status of Real Estate in the Iranian Legal System
Ehsaneh Vosoughi Monfared, Mohammad Varaste Bazghale
- Economic Diplomacy and the Law of Private International Contracts; The Interaction of Politics and Law in Securing National Interests
Radmehr Rahmani Golafshan
- Adoption of Artificial Intelligence-Driven Fraud Detection in Banking: The Role of Trust, Transparency, and Fairness Perception in Financial Institutions in Iran, the United Arab Emirates and Qatar
Abdolmajid Yousefi
- The Approach of Judicial Procedure in Restoring Proceedings by Adding Persons to the Proceedings
Rahim Mokhtari, Saeid Shiravani
- Criminology of War in the Current Realities and the Need for its Development in Ukraine
Yasser Shakeri